

اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار

مصطفی ذاکری*

دختران زیبا سهم امراء و شاهان بودند که به حرمسرای آنان برده می‌شدند. برخی برده‌ها نیز که هنرهای نمایشی داشتند به سپاه خاص پادشاهان ملحق می‌شدند و گاهی به مقامات بلندی چون کاتبان درباری و وزارت و حاکمان و والیان شهرها و غیره می‌رسیدند و حتی برخی از آنان ممکن بود به سلطنت برسند. چنان که سلسله‌ای از آن‌ها به نام «ممالیک» (جمع مملوک به معنای غلام و برده) حدود سیصد سال (یعنی از ۶۴۸ ه.ق تا ۹۲۲ ه.ق) بر مصر و شام سلطنت کردند. روش سوم مبادله اسرا بود میان طرفین جنگ؛ یعنی هر کدام از طرفین تعدادی اسیر را با اسرای خود که نزد طرف دیگر بود مبادله می‌کرد و لذا اسرای با ارزش چون سران سپاه و صاحب‌منصبان عمده و اشخاص دانشمند و بزرگ جداگانه نگهداری می‌شدند تا با مشابه خود معاوضه شوند. گاهی هم یکی از طرفین اسرای خود را کلاً یا بعضاً از طرف دیگر خریداری می‌کرد و در ازاء هر اسیر مبلغی می‌پرداخت که گاهی بسیار گزاف بود.

کسانی که با دید امروزی به برده‌داری می‌نگرند از شرایط تاریخی وجود برده‌ها مطلع نیستند. البته در بسیاری از موارد به برده‌ها ظلم می‌شد و از آن‌ها کار زیاد می‌کشیدند اما در بسیاری از موارد هم زندگی برده‌ها خوب بود و مرفه؛ در خانه‌های اعیان زندگی می‌کردند و حتی ممکن بود از وطن خود هم عقب زیسته باشند.

کتاب اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار را کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی منتشر کرده است. این کتاب حاوی اطلاعات گران‌بهایی از خرید و فروش برده در شمال و جنوب ایران و چگونگی برده‌گیری در آن مناطق است که شامل یک مقدمه، چهاربخش و یک ضمیمه است.

اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار، به کوشش نرگس علی‌پور، از انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰، ۲۵۸ ص.

۱. بردگی و برده‌داری

بردگی و برده‌داری عمدتاً و اصالتاً نتیجه ضروری و اجتناب‌ناپذیر جنگ‌های قدیم بود. هر جنگی بالمآل غالباً به شکست یک طرف و پیروزی و غلبه طرف دیگر می‌انجامید و ندرتاً هم بر متار که یا مصالحه ختم می‌شد. وقتی آثار شکست در جبهه یکی از طرفین جنگ نمودار می‌شد عده‌ای از سربازان و افراد آن لشکر می‌گریختند و برخی هم اسیر طرف غالب می‌شدند. گاهی نیز لشکر فاتح وارد شهر یا روستاهای طرف مغلوب می‌شد و به تاراج اموال و اسیر کردن مردم آن شهر یا روستا می‌پرداخت. با اسیران جنگی معمولاً به سه روش رفتار می‌شد: یکی آن‌ها را از دم تیغ بگذرانند و قتل عام کنند؛ که روش برخی فاتحان جنایتکار چون چنگیز مغول و تیمور لنگ و آغا محمدخان قاجار بود، چون آن‌ها نمی‌خواستند کسانی را که با آنان جنگیده بودند زنده بگذارند مبادا باز به هم پیوندند و لشکری بیارایند و جنگ دیگری آغاز کنند. روش دوم آن بود که اسرا را میان لشکریان فاتح به عنوان برده تقسیم کنند. هر فرد سپاهی ممکن بود یک یا چند اسیر را به بردگی ببرد. سپاهیان برده‌ها را در بازار برده‌فروشان، در شهرهای سر راه خود، می‌فروختند. زنان اسیر معمولاً طالب بیشتری داشت و همچنین مردان جوان و کاری که می‌توانستند در مزارع کار کنند یا پیشه‌وران ماهر، که نزد اهل حرفه چون تاجران و سنگ‌تراشان و آهنگران و غیره به کار می‌پرداختند. زنان و

* استاد بازنشسته دانشگاه.



دوره دوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، مرداد - آبان‌ماه ۱۳۹۱

در مقدمه نخست، بردگی از دیدگاه اسلام و راه‌های آزادی بردگان (شامل مکاتبه، تدبیر، استیلاء، سرایت، کفاره، ضرب و تنکیل، جزام و کوری و تملک ارحام) طبق قوانین شرع و استحباب آزاد کردن بندگان و خوش رفتاری با آنان آمده و گفته شده است که در اسلام اصل بر آزادی انسان است که با عنوان «اصالة الحرّیه» در جواهر الکلام ذکر شده است. سپس به وضعیت غلامان و کنیزان در عصر قاجار به اجمال اشاره شده و در مورد شماره بندگان آمده است که سالانه حدود دو تا سه هزار برده از سواحل جنوبی وارد ایران می‌شده است و آن‌گاه برده‌های شمال غربی از گرجی و ارمنی و چرکی و کرد که از ولایات آنان ربوده و فروخته می‌شدند و کنیزان کرد که کرده خود به ایرانیان می‌فروختند و بردگان ترکمن که در جنگ‌ها به دست ایرانیان می‌افتادند از مباحث مقدمه است. در مقدمه همچنین داستان منبع برده‌فروشی که از طرف انگلیسی‌ها در قرن نوزدهم میلادی در خلیج فارس پیگیری می‌شد شرح داده شده است. همچنین پاسخ پادشاهان و وزرای قاجاری به درخواست‌های مکرر انگلیس‌ها نیز ذکر شده است. سپس منابع اسناد و مدارک مندرج در کتاب ذکر شده است که عمدتاً در بایگانی وزارت امور خارجه موجود است و سپس از اسناد محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و چند منبع دیگر یاد شده است؛

بخش اول کتاب، شامل قرارنامه‌ها و معاهده‌های منع برده‌فروشی است که میان ایران و دولت انگلیس مبادله شده است.

بخش دوم، شامل مکاتبات و مقالات سیاسی است که میان مقامات ایران در عصر قاجار و سفارت انگلیس یا مقامات آن کشور صورت گرفته است.

بخش سوم، مربوط است به غلامان و کنیزان غیر آفریقایی.

و بخش چهارم، تحت عنوان «به سوی آزادی»، شامل مواردی است که کنیزان از مالکان خود می‌گریختند و به قونسولگری انگلیس پناهنده می‌شده یا منکر زوجیت خود با مالک می‌گردیده‌اند و دعاوی مبتنی بر این که غالباً برای وزارت امور خارجه مشکلاتی به وجود می‌آورده است.

ضمیمه کتاب نیز شامل مکتوبات شرعی درباره خرید و فروش برده‌ها یا آزادی آنان و صورت قباله‌نامه‌هایی راجع

به آن‌هاست. نمایه‌های آخر کتاب شامل نام‌ها و القاب، ملل و نحل، جای‌ها، سازمان‌ها و نهادها، پیشینه‌ها و مناصب گوناگون است.

نکته آخر آن که بر اساس قانونی که در ۱۸ بهمن ۱۳۰۷ در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسید، هیچ کس در ایران برده شناخته نمی‌شود و همه بزرگان که به خاک ایران وارد شوند آزاد می‌گردند و اگر شکایتی از کسی بابت معامله برده با او می‌رسید، مأمورین دولت می‌بایست فوراً وسایل استخلاص او را فراهم سازند.

اما یک نکته را هم حقیر از خاطرات خود می‌افزایم که در جوانی یا نوجوانی مردی را دیدم که می‌گفت برده بوده و بعد از تصویب قانون لغو بردگی (یعنی در سال ۱۳۰۷) آزاد شده ولی مالک او حاضر نبوده است شرعاً آزادش کند و آن مرد، پس از مرگ مالک، خود را هنوز زیر دین او می‌دانسته است. اکنون که به این خاطره می‌اندیشم متوجه می‌شوم که قوانین بردگی اسلام تبعات شرعی هم داشته است و برده‌هایی که شرعاً به تملک کسی در می‌آمدند در باطن و فکر خود این امر را کاملاً معقول و صحیح می‌دانستند و حق مسلم ارباب را بر تملک خود می‌پذیرفتند و اگرچه گاهی می‌گریختند اما در دل خود را گناهکار می‌دانستند.

کتاب اسناد برده‌فروشی و منع آن در دوره قاجار به کوشش خانم نرگس علی‌پور چاپ شده است و من نمی‌دانم «به کوشش» یا «به اهتمام» یا «به کوشش و اهتمام» یا «به سعی» فلان کس که اخیراً بر پشت جلد کتاب‌ها دیده می‌شود چه معنایی دارد. ظاهراً نه به معنای تصحیح است و نه به معنای ویرایش و گویا به معنی انتشار و چاپ است بر دست کسی و لذا نمی‌توان گفت این غلط‌ها چاپی است یا حاصل بدخوانی کوشنده. مثلاً «شکوزئیل» در صفحه ۳۴ به جای «تنگوزئیل»، در همین صفحه و صفحات متعدد دیگر «تنیبه و ترجمان» آمده است و «ترجمان» ظاهراً به معنای تاوان و غرامت و مجازات نقدی است اما معلوم نیست که چرا این کلمه به کار رفته است، آیا بدخوانی نیست؟ در ص ۳۷ سطر ۳ «با تجرات غلام» به جای «تا تجارت غلام و کنیز» آمده است و «نقطه‌ها» به جای «نقطه‌ها»، در ص ۳۸ «محض مرعیت و تقویت» شاید به جای «مراعات و تقویت». در صص ۴۰ و ۴۱ «کرخز و کرچه» (به جای کرخز) آمده که ظاهراً به معنای تنگه



دعوا و وکلای آن‌ها و مدعی‌العموم در دادگاه‌های فرانسه جایی پایین‌تر از محل نشستن قضات دارند و «پارک» را فرهنگستان اول تبدیل به «دادسرا» کرد و «پارک» بدایت «بعدا» دادگاه شهرستان» نامیده شد و غیره. در همین صفحه چهار نوع کشتی یا قایق نام برده شده است: «نجله» و «غنچه» و «بطیل» و «بگاره»؛ که توضیحی درباره این کلمات غیر معمول داده نشده است و امید است که در چاپ‌های آتی این گونه اشکالات مرتفع گردد. در هر حالی از زحمات خانم علی‌پور برای استنساخ و چاپ این کتاب باید سپاسگزار بود.

و وغاز است اما توضیح نداده‌اند که این چه کلمه‌ای است. در ص ۴۵ «موزامبیک» یکی از ممالک افرنگ دانسته شده است که صحیح آن «افریک» است یعنی «آفریقا»؛ در همین صفحه، بیست‌وششمین «درجه ارض جنوبی» چاپ شده است به جای «عرض جنوبی». در ص ۴۶ در سطر ۷ «تحفیفی» به جای «تحقیقی» و در ص ۵۱ «اعلال‌نامه» به جای «اعلان‌نامه» و در ص ۵۹ «پارک» هدایت» به جای «پارک» بدایت» که در تصویر صفحه ۶۰ به خوبی پیداست و «پارک» (فرانس: Parquet) در اصل به معنای پارکت یعنی کف چوبی ساختمان است که به کنایه به داژماه و دادسرا اطلاق شده است. چون طرفین

۲۰ سال تلاش میراث مکتوب

«ترقی و تعالی (در هیچ ملت و جامعه‌ای) ممکن نیست، جز آنکه اساس (ساز و کار خود را) بر پایه
(اندیشه‌ها و دستاوردهای علمی) پیشینیان بنا نهد.»

بخشی از دستاورد ۲۰ سال تلاش مرکز پژوهشی میراث مکتوب برای معرفی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی به شرح زیر است:

- تصحیح، چاپ و انتشار ۲۵۷ عنوان کتاب در ۲۹۸ جلد.
- انتشار ۵۱ شماره نشریه آینه میراث (۱۹ شماره ماهنامه آینه میراث، سال ۱۳۸۱ - ۱۳۷۷، ۳۰ شماره دوفصلنامه علمی - ترویجی آینه میراث، ۱۳۸۷ - ۱۳۹۱) (از شماره ۲۰ - ۴۹) و دو شماره آخر (۵۰ و ۵۱) که به صورت علمی - پژوهشی چاپ شده است.
- انتشار ۲۷ شماره ضمیمه نشریه آینه میراث.
- انتشار ۵۱ شماره دوماهنامه گزارش میراث و ۳ شماره ضمیمه گزارش میراث.
- انتشار ۱۱۱ عنوان آثار میراثیان.
- برگزاری ۹۰ نشست و مجلس علمی نقد و بررسی کتاب.
- برگزاری و شرکت در بیش از ۳۰ همایش داخلی و بین‌المللی.
- کسب بیش از ۸۰ عنوان برگزیده و شایسته تقدیر در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی.

